

ماراتن سیاسی خدمت از شورا به مجلس

تعدد مشاغل یکی از آفات مدیریت متوسط و کلان بوده و لازم است مخصوصاً دولت سیزدهم که باشعارهای پاکدستی و مبارزه با فساد وارد عرصه گردیده در محورهای یاد شده به مقابله برخاسته و اجازه رشد و گسترش به ویروسهای فرهنگی و اقتصادی ندهد.

به گزارش سایت خبری پرسون، مجید ابهری در یادداشتی نوشت: ادامه خدمت توسط افرادی که با سرمایه های مردم، تجربه اندوخته و گاه به کسب مدارج تحصیلی نائل آمده اند، از ارکان مردم دوستی و عشق به نظام و انقلاب است. اکثریت ما در صدر انقلاب و سالهای نخستین نه سابقه کار داشتیم و نه تجربه ای اندوخته بودیم اما علاقه و دلبستگی به کشور باعث شده بود با تلاشی مضاعف و سعی و کوشش، کارها را یاد گرفته و مسئولیتهای مختلف را بپذیریم. وگرنه اکثریت قریب به اتفاق، علیرغم دارا بودن تحصیلات عالی وگاه بدون آن ها، نه سابقه وزارت داشتیم و نه تجربه صدارت و مدیریت های ارشد. عشق و وفاداری ما را مسلح به شوق خدمت کرده بود و بس. در شروع تهاجم و جنگ تحمیلی، اکثریت فرزندان پاسدار کشور و بسیجیان عاشق و مخلص، با گذراندن دوره های فشرده و کوتاه مدت، سلاح بدست گرفته و به میادین نبرد عزیمت میکردند. در کنار ارتشیان وفادار و نظامیان عاشق دین و وطن، شاهد فداکاری ها و رشادتهای بی نظیر فرزندان انقلاب اسلامی بودیم.

نظامیان تا دندان مسلح مقابل که مجهز به تکنولوژیهای مدرن و تجهیزات روزآمد بودند، از دلاوریهای فرزندان ایران متحیر و حیران مانده بودند و باچشم خود پیروزی خون بر شمشیر و عشق بر فناوری را ملاحظه می کردند. و بدین منوال دهه اول و دوم و سوم انقلاب اسلامی، کارکنان و مدیران نظام نوحاسته از جان و جوانی خود سرمایه گذاشته و کشتی طوفان زده وطن را به ساحل آرامش رساندند.

تحریمهای ناجوانمردانه موجب شکوفایی و خودباوری در راستای تولیدات صنعتی و نظامی و پزشکی گردید. در دو دهه اول بعد از پیروزی، مدیران ارشد تلاش بر ارجحیت تعهد بر تخصص داده و کاستی های موجود علمی و فنی و تولیدی را با اخلاص و صرفه جویی و قناعت وساده زیستی جبران می نمودند. از اواخر دهه سوم پیروزی و با حضور فرزندان تحصیلکرده انقلاب درعرصه های صنعتی و علمی، پزشکی و دانشگاهی و رهنمودها و حمایتهای امام راحل (ره) و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، متخصصان و علاقمندان به رشد و پیشرفت جان تازه ای در کالبد کشور احساس نمودند.

دهه چهارم به آخر می رسید که جوانان صدر انقلاب، جوانی و انرژی خود را صرف اداره کشور نموده و موهای سیاه خود را در آوردگاه وطن سفید نموده اولین و دومین گروه از بازنشستگان عرصه خدمت جای خود را به جوانان پرانرژی سپردند. نکته قابل توجه و بعضاً اندوهبار این بود و هست که تعدادی از نیروهای چرخه مدیریت کشور در حلقه های مختلف و متعدد در این چهل سال، فقط میز و مسند عوض نمودند و هربار در سازمان و شرکتی ملاحظه شدند.

در این گیرودار بعضی از این عاشقان خدمت در یک وعده بیست الی سی مسئولیت به عهده گرفته و «ابوالمشاغل» تخلص یافته و نخواستند به نیروهای جوانتر فرصت حضور در صحنه دهند. گاهی مشاغل متعدد این عزیزان هیچ ارتباط و حتی شباهتی به یکدیگر و حتی تجارب و تحصیلات وی ندارد. در دهه اول پیروزی با فلسفه قحط الرجال میشد این کلکسیونری مشاغل را پذیرفت ولی از دهه دوم و حالا دیگر نمی شود این فرصت سوزیها را با هیچ توجیهی پذیرفت.

از عضویت در شورای شهر و مجلس تا وزارت و سفارت را میتوان در کارنامه این افراد ملاحظه کرد. گاهی برخی از این افراد کمترین اطلاعات تخصصی را در مورد شغل و مسئولیت جدید خود دارند و ظاهر این فرمایش موال علی(ع) را نشنیده یا نخواستند بشنوند. «لعنت خدا برکسی که مسندی را اشغال کرده واز خود شایسته تری را برای آن مسئولیت بشناسند» برای برخی ها خانه های اشرافی و خودرو سایر امتیازات دنیوی ارزش بیشتری از لعنت الهی دارند.

باید به صاحبان استعداد و افراد توانمند فرصت ورود به حلقه های خدمت داده شود. شوربختانه گاهی اعضای سازمانهای غیر رسمی هیچ تمایلی به مشارکت افراد خارج از حلقه های مافیای قدرت ندارند. تعدد مشاغل یکی از آفات مدیریت متوسط و کلان بوده و لازم است مخصوصاً دولت سیزدهم که باشعارهای پاکدستی و مبارزه با فساد وارد عرصه گردیده در محورهای یاد شده به مقابله برخاسته و اجازه رشد و گسترش به ویروسهای فرهنگی و اقتصادی ندهد.

منبع: آفتاب یزد